

در شان پادشاهان ظالم که در زمان ما اند **دیگر بدانکه** حکومت
 بی علم میسر نمیشود که اگر جاهل بود میان زمین نتواند کوه ^{بعلد}
 آنکه در حکم او یوزه از وی سوال خواهد بود و قطعا نتواند گفت
 که مواخیر نگردد **پیر این همه** از بهر تنبیه غافلان و جاهل
 ساخته و پرداخته اند تا غافل نشود **پلنت**
 ای دل غافل همان کار سازی کورن است • پسر کشتی هجرات میل بازی کردن
 مبداء عشق حقیق کوهی پر پی که چست • ای برادر تو بر این بهر مجازی کردن
 کوهی خواهی که باشد از ناده حاصلی • چاره کار تو اول دل نوانی کردن
 و آنکه دارد در جهان اسباب جاهلیتی • کو غنیمت دان که روز لنوانی کردن
 • **پیر امید** الله سبحانه و تعالی جانست که هر از خواب غفلت بیداری
 بخشد **گویند در رقصه خیر است** که روزی سلیمان علیه السلام
 یا جنود **رها میرفت** و مرغان نیز نیز بر تیر بر تیر بودند که ناکه افتاد
 بر روی سلیمان افتاد و نظر کرد جای هدهد خالی دید سوال کرد
 و کسی از نشان نداد **توله تعالی** و تفقد الطیر فقال **ای**
 لاری الهو هد • جنین بوده که چون سلیمان علیه السلام بانشیت

مرغان

مرغان سایه بر سر سلیمان کردند و از هر جنس جفت بودند
 و هدهد بر این سر سلیمان علیه السلام با بستاری و پر باز کرد
 و هدهد را نیکو دوست داشتی جنین گویند که جای هدهد را
 دید و افتاب بر روی سر سلیمان افتاد پس بگریست هدهد را نزد
 فرمود که چونست که هدهد را نمی بینم **ابن عباس** رضی الله عنه گوید
 که طلب کردن هدهد از بهر آن بود که او جایگاه آب نیکو دانستی
 الفضا آنروز در هیچ جای آب نبود پس سلیمان علیه السلام فرمود
 که هدهد را بفرستید تا طلب آب کند چون جایگاه وی دیدند
 خالی بود پیش چشم گرفت **در سخن گفته** اند که چونست که هدهد
 آب میدید و هیچ آبی دیگر نمیدید **قوله تعالی** اما علمتم انه اذا
 جاء القمی عجمی **القمی** گفته اند که چون قضا بیاید پنبایی بود
 آنگاه سلیمان علیه السلام گفت چرا از خدمه من غایب شدی
 اکنون او را عذاب سخت کفشی و از یارانش دور کنم **پس هدهد**
 بیاطلاق مرغان پیش وی رفتند و گفتند که سلیمان علیه السلام
 از تو چیزی کرفته است از بهر آنکه غایب شدی فرموده است
 اکنون